

تبیین الگوهای کاهش آسیب پذیری هویت فرهنگی، اجتماعی شهرک اکباتان تهران^۱

حمیده استرابی آشتیانی

گروه معماری، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران

ایرج اعتصام^۲

گروه معماری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حمید ماجدی

گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

چکیده

معماری مجموعه ای از مهارت‌ها و علوم قابل توصیف نیست؛ اما عملکرد اصلی آن شکل دادن به هویت مکان است. از این رو فرهنگ به عنوان پدیده ای طبیعی در شکل‌گیری هویت معماری نقشی اساسی دارد و فرایندهای تعامل فرهنگی به عنوان مناسب‌ترین تعریف هویت فرهنگی برای معماری بیان می‌شوند. این در حالی است که هویت اجتماعی تسط اشخاص جامعه به معماری داده می‌شود. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر کاهش آسیب‌پذیری هویت فرهنگی-اجتماعی شهرک اکباتان تهران است. از این رو پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافت که شهرک اکباتان در طول مراحل و زمان ساخت خود اجتناب از شبیه شدن به معماری دوره‌ای خاص اجتناب نموده و سعی در استفاده از اصول و ارزش‌های فرهنگی به‌جای تقلید ظاهری و شکلی داشته است، لیکن در چند سال اخیر شاهد عدم توجه به این امر هستیم، چراکه برپانمودن فضاهای تفریحی و مراکز خرید من جمله مگامال در قلب مجموعه و برخورداری از فرمی مدرن هویت فرهنگی این شهرک را دچار خدشه نموده است. حال در جهت بهبود و ارتقاء هویت اجتماعی-فرهنگی در شهرک اکباتان می‌بایست ضوابط و مقرراتی همسو با خود شهرک جهت بازنگری مکان‌یابی و کلیه عوامل کالبدی تنظیم گردند تا علاوه بر رفع مشکلات هویت اجتماعی-فرهنگی اکنون شهرک اکباتان بتواند از این بحران در پی توسعه شهرک، جلوگیری نمود. یکی از مهم‌ترین راهکارها در این شهرک "افزایش تعداد فضاهای باز مانند پارک‌ها و زمین‌های بازی متناسب با گروه‌های سنی مختلف، افزایش طول و عمق فضاهای مابین بلوک‌های مسکونی جهت تسریع در رفت و آمد در صورت بسته شدن راه‌های اصلی، تقویت شبکه چیدمان مبتنی بر الگوهای ستاره‌ای و شعاعی به منظور تسریع در ورود و خروج جمعیت و کاهش ترافیک و جانمایی فضاهای باز مابین بلوک‌ها با قابلیت دسترسی

۱- این مقاله بر گرفته از رساله دکتری پریسا آشتیانی با عنوان «تحلیل معماری شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی با تاکید بر هویت اجتماعی-فرهنگی» (نمونه موردی شهرک اکباتان تهران) به راهنمایی دکتر ایرج اعتصام و مشاور دکتر حمید ماجدی می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) etesam.iraj@yahoo.com

سریع برای ساکنین محله" است. بنابراین می‌توان بیان نمود که تمهیدات طراحی در معماری شهرک اکباتان برای حفظ پایداری و حیات در بستر هویت و فرهنگ منطقه و تداوم فعالیت‌های خود ملزم به رعایت معیارهایی این چنین می‌باشند.

کلمات کلیدی: هویت، هویت فرهنگی - اجتماعی، آسیب پذیری، شهرک اکباتان.

مقدمه

مقوله هویت از گذشته‌های دور به عنوان یکی از دغدغه‌های بشری مطرح بوده است. مفهوم کیستی و چیستی انسان یکی از قدیمی‌ترین مباحث فلسفی بوده و عمده فیلسوفان و نظریه پردازان در رابطه با آن به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. این مقوله که در گذشته‌های دور پدیده‌ای ثابت و از پیش تعیین شده در نظر گرفته می‌شد، امروزه به مفهومی متغیر، پیچیده و پر از تناقض تبدیل گشته و موجب بروز بحران هویت و نا آرامی انسان مدرن گردیده است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۲). در نتیجه بحث‌هایی در رابطه با چیستی هویت و مؤلفه‌های مؤثر بر آن امروزه نیز مانند گذشته و یا حتی بیش از گذشته به عنوان یکی از موضوعات چالش برانگیز در حوزه‌های مختلف فلسفی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مطرح می‌باشد (بهشتی، ۱۳۹۳). ظهور مفهوم هویت در حوزه معماری، پس از جنگ دوم جهانی، در دهه ۵۰ میلادی و در پی بروز انتقاداتی به معماری مدرن شکل گرفت (جوادی، ۱۳۹۴). علی‌رغم مباحث گسترده‌ای که از آن زمان تا کنون در این رابطه صورت گرفته، این پدیده هنوز به عنوان موضوعی مورد توجه، به ویژه در کشورهای در حال توسعه مطرح می‌باشد (فیض آبادی و رفیع اردکانی، ۱۳۹۴). ضمناً می‌بایست خاطر نشان نمود که از موضوعات بحث‌برانگیز معماری معاصر ایران مسئله هویت که واژه‌ای بسیار ساده لیکن در عین حال پیچیده است، است. ضمن آنکه هویت، مجموعه‌ای از نشانه‌ها در یک فضا است که به لحاظ فرهنگی و کارکردی برای یک فضا وجه مشخصه‌ای بشمار می‌آید. در معماری گذشته ما حیاط مرکزی، طاق و چهار ایوانی و... نمونه‌ای از عناصر هویتی معماری ایران زمین بودند که اکنون به فراموشی سپرده شده‌اند. در این میان برخی از معماری معاصر روز ما را عاری از هویت می‌داند و برخی دیگر هویت مستقلی برای آن در نظر گرفته‌اند. در جریان‌هایی که در عرصه بازیابی هویت رخ داده است، رویکردی وجود دارد که می‌شود آن‌ها را به ملی‌گرایی، بوم‌گرایی و مذهب‌گرایی تقسیم نمود. همچنین مولفه‌های انسان، مکان و زمان از اصلی‌ترین مؤلفه‌های هویت بشمار می‌آیند و کلیه عوامل درونی و بیرونی را در حوزه‌های معماری، شهری و انسانی با نگاهی از بعد فرهنگی - اجتماعی فرامی‌گیرد تا به گونه‌ای ریشه‌دار در یک نظام معنایی و مشترک تاریخی باقی بمانند. امروزه این مقوله که در گذشته‌های دور پدیده‌ای ثابت و از پیش تعیین شده در نظر گرفته می‌شد، به مفهومی متغیر، پیچیده و پر از تناقض تبدیل گشته و موجب بروز بحران هویت و نا آرامی انسان مدرن گردیده است. هویت فرهنگی - اجتماعی مسئله‌ای است که به ویژه در سالیان اخیر مورد بحث، بررسی و پژوهش در نقاط مختلف جهان بوده است. چرا که این مسئله متأثر از عوامل گوناگونی است که سیمای بصری و فرم معماری محیطی را در بر گرفته و بر رفتار و درک مخاطب از فضا تاثیر شگرفی می‌گذارد.

در رابطه با پیشینه پژوهش حاضر، معظمی و حجت در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی با عنوان ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی پرداختند و دریافتند که در دوره معاصر، به دلیل سرعت تحولات و گونه‌گونی‌ها، شناخت و متعاقب آن، کنترل مؤلفه‌های اثرگذار فرهنگی بر معماری به‌سادگی میسر نیست و عمدتاً به ورطه فراموشی سپرده شده است. این امر را می‌توان ریشه و علت‌العلل افول وجه ارزشی در معماری معاصر ایران برشمرد. گسست‌ها و گم‌گشتگی‌های فرهنگی معماری، ناشی از گسست‌ها و گم‌گشتگی‌های مشابه در فرهنگ و جامعه ایران است. امروزه کمبود آشنایی با ویژگی‌های زیستی و فرهنگی در گوشه گوشه سرزمین ایران و نیز تشخیص نادرست نسبت خود با محیط پیرامون در مقیاس‌های گوناگون و از جنبه‌های مختلف؛ از مهم‌ترین غفلت‌هایی است که گسست فرهنگی در معماری را بیان می‌کند. غفلتی که همه این تنوع قاره‌گون را به یک چوب می‌راند و نسخه‌ای واحد را برای برپاداشتن بنا در جای‌جای آن، تجویز می‌کند. صفرنژاد و همکارانش نیز در سال ۱۳۹۵، در پژوهشی با عنوان شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان در طراحی بناهای اداری فرهنگی که در شهر رشت انجام شد، با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به این نتیجه رسیدند که می‌توان با ایجاد نفوذپذیری، غنای حسی، توجه به نمای ساختمان‌ها، نمادها و نشانه‌های بومی، خوانایی در فرم کالبدی و توجه به زمینه در طراحی موجب ارتقای هویت محیط و افزایش حس تعلق شهروندان شد. کوهی فرد نیز در سال ۱۳۹۵ در کتاب هویت در معماری ایرانی به موضوع هویت معماری ایرانی پرداخته شده است. مؤلف در این کتاب بیان کرده است که شهر مجموعه ساختمان‌ها، عناصر و مراکز شهری است که باید به‌ظاهر برای آن متصور شویم که در صورت هویت دار بودن یا ساخته شدن و یا فعل دیگر بتواند منحصر به فرد باشد. در فرایند طراحی مبتنی بر شیوه‌های ساختاری است طریق سنجش هویت، ویژگی‌های سازوکارهایی برای مکان‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود که آن‌ها را از هم متمایز می‌کند. اژدری در سال ۱۳۹۶ به بررسی هویتی ایرانی در معماری؛ نگین بی‌بدیل معماری ایرانی اسلامی پرداخت و در این راستا از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده نمود. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که هویت را می‌توان تجلی فرهنگ در معماری دانست؛ زیرا مکان‌ها از انسان معنا می‌گیرند و انسان نیز مجموعه‌ای از باورها و اندیشه‌ها است که فرهنگ او را شکل می‌دهد و نمود و تجلی از فرهنگ انسان را در مکان و محیط می‌توان مشاهده نمود که همان هویت و فرهنگ اوست. امروز معنای هویت در محیط اجتماعی شهر کمتر قابل‌درک است. شهر امروز دیگر الهام‌بخش هنرمندان نیست. شهر مدرن امکانات کافی برای زندگی را فراهم نمی‌آورد. خیابان‌ها و میدان‌ها دیگر جایی برای اجتماع مردم نیستند بلکه صرفاً وسیله‌ای برای ارتباط شده است. امروز کاشانه، شهر و کشور آنچه را نزد انسان ارزش‌های برترند به او نمی‌بخشد؛ یعنی همان تعلقات اجتماعی و محصولات فرهنگی. شاید فضا دیگر احساس ندارد و ارتباط خود را با خوشحالی و غم گسسته است و فضا هم دیگر برای ما زنده نیست زیرا به نظامی از مکان‌های با معنا بدل نگردیده است و در نتیجه این امر شرایط مطلوبی را برای بررسی‌های بیشتر درباره هویت ایجاد می‌کند. با ورود عناصر فرهنگی بیگانه فرهنگ و هویت جامعه ایرانی شامل تغییراتی شده است، بر همین اساس برای شناسایی هویت جامعه سنتی ایران بررسی عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی ایران شیوه مناسبی به نظر می‌آید تا هویت از دست‌رفته معماری اصیل خودمان را بازگو کنیم. سلیمانی و همکارانش در سال ۱۳۹۶ بازنشاسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری پرداختند و با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی دریافتند که مفهوم هویت در معماری بیانگر معنایی است که یک اثر برای مخاطب خود در بردارد. بر این مبنا هویت در عین توجه به تاریخ، فرهنگ و گذشته، معنایی متمایز از تکرار صرف الگوهای گذشته خواهد داشت. هویت یا معنای یک اثر معماری، محصول تعامل و کنش متقابل اجتماعی میان فرد و آن اثر بوده که بر مبنای تعامل میان ویژگی‌های اثر و تصویر

ذهنی مخاطب شکل می‌گیرد. ضرغامی و همکارانش در سال ۱۳۹۶ به بررسی ایجاد چارچوب نظری طراحی مبتنی بر تئوری هویت اجتماعی مجتمع مسکونی برای ساکنان با طبقات مختلف اجتماعی-اقتصادی پرداختند و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافتند که موفقیت مسکن ایرانی-اسلامی مستلزم رعایت اصل هویت اجتماعی در بطن طراحی است. اگرچه در حال حاضر این موضوع به مرحله اجرایی نرسیده است، اما می‌توان با استفاده از الگوی ارائه‌شده، به اجرایی شدن مسکن درآمد ترکیبی دست پیدا کرد. همچنین، نتایج تحقیق به عوامل یکپارچگی اجتماعی-فضایی در مسکن درآمد ترکیبی ایران و نیز به چارچوب مفهومی طراحی مبتنی بر هویت اجتماعی از طریق تئوری‌های مکان محور هویتی دست‌یافته است. با توجه به پژوهش‌های انجام شده تاکنون پژوهشی از باب تبیین الگوهای کاهش آسیب پذیری هویت فرهنگی، اجتماعی شهرک اکباتان تهران انجام نشده است و پژوهش حاضر یکی از نخستین پژوهش‌ها در این باره است. در این راستا روش تحقیق پژوهش حاضر کیفی و به لحاظ نوع هدف توصیفی-تحلیلی و کاربردی است. ابزار بکار رفته در پژوهش حاضر در جهت جمع‌آوری اطلاعات، ابزار مطالعات کتابخانه و میدانی می‌باشد. در پژوهش حاضر برای شناخت اصول شهرک اکباتان، ابتدا به مطالعه عوامل مؤثر در ایجاد شهرک اکباتان و توجه به هویت اجتماعی و فرهنگی در این شهرک پرداخته شد. در این مرحله با کنکاشی در نظریات نظریه‌پردازان در حوزه تئوری‌های مختلف هویت و خودانگاره به بررسی روابط افراد با یکدیگر و اهمیت هویت فردی یا اجتماعی در فرهنگ غرب و شرق که می‌تواند در یکپارچگی و روابط اجتماعی تأثیر بگذارد، پرداخته خواهد شد. در ادامه با استناد به شواهد کتابخانه‌ای و منابع معتبر، توصیه‌ها و نظرات استادان، هویت اجتماعی فرهنگی بررسی می‌شود. در بخش مفاهیم و دیدگاه‌های نظری و مطالعات پیشین صورت گرفته از روش تحقیق توصیفی استفاده شده است. در این روش ابتدا مقالات، کتب و رساله‌های معتبر خارجی و داخلی موردسنجش واقع شدند و سپس با به‌کارگیری تکنیک فیش‌برداری، محتویات مناسب و کارآمد از آن‌ها استخراج و ساختار محتوایی تدوین گردید و سپس در جهت رهیافت به هویت اجتماعی در شهرک اکباتان از روش پدیدارشناسی (اول‌شخص و اگزیستانسیالیسم) پژوهشگر استفاده شد. در این راستا سئوالات پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- الگوهای کاهش آسیب پذیری هویت فرهنگی، اجتماعی شهرک اکباتان تهران کدامند؟ ۲- چگونه می‌توان هویت اجتماعی و فرهنگی شهرک اکباتان را بهبود بخشید؟

مبانی نظری

مفهوم هویت

مفهوم هویت از نگاه تعدادی از صاحب‌نظران نیز قابل توجه است. در این میان اریکسون (جامعه‌شناس) مفهوم هویت را به دو بخش تقسیم می‌نماید؛ ابتدا یکی شدن با خود، سپس مشارکت با دیگران. وی همچنین فرآیند هویت را که مجموعه‌های از ناهنجارها و هنجارها را در فرد به وجود می‌آورد، به نوعی یک سیستم کنترل بر می‌شمارد (گل محمدی ۱۳۹۱). در این راستا؛ «استوارت هال» نیز هویت را یک‌روند در حال شدن می‌داند که یک شناسنامه و عامل شناخته شدن است. همچنین به نظر «چارلز جنکز» هویت به‌خودی‌خود دم دست نیست بلکه همواره باید تثبیت گردد. هویت طبقه‌بندی افراد، اشیاء و مرتبط نمودن خود با شخصی یا چیزی دیگر مانند یک حزب، یک دوست و یا یک قهرمان است (تاجیک ۱۳۸۴). به دیگر سخن هویت محملی برای جایگیری مشمولات است، ضمن آنکه از آن تحت عنوان لایه ورود پدیده‌ها و شامل شدن در یک اجتماع می‌توان یاد نمود. در این میان، احمد اشرف از صاحب‌نظران معماری اسلامی، هویت را تحت عنوان وجود و هستی برمی‌شمارد، چیزی که ابزار شناخت فرد است،

بدین معنا که تمامی ویژگی‌های رفتاری و خصوصیات فردی که مطابق با آن فرد تحت عنوان یک گروه اجتماعی شناخته و از دیگران متمایز می‌گردد (حیب و همکاران ۱۳۹۰). علاوه بر آن، این حقیقت که هویت در تشابه ریشه دارد، همواره به تفاوت نیز مرتبط می‌شود. ودوارد و کترین، صاحب‌نظران دیگر این حوزه نیز اعتقاد دارند که هویت از طریق مشابهت با انسان‌هایی مانند ما و دیگرکسانی که شبیه ما نیستند، موردسنجش قرار می‌گیرد (میرمقتدائی ۱۳۹۳). در این راستا؛ ربر (۱۹۸۵) هویت را مفهومی انگاشتی فردی و ذهنی دانسته که فرد خودش را با آن می‌انگارد و یا سعی می‌نماید که آن‌طور ظاهر شود. بارونوبرون (۱۹۹۷) نیز؛ هویت را صورتی روانشناختی و ذهنی دانسته که بر نوع رفتار انسان اثر گذار می‌باشد و با دگرگونی زمینه اجتماعی دچار تغییر می‌گردد (مهدوی نژاد ۱۳۹۴). براین اساس، شهر بدون هویت، انسان‌های بدون هویت نیز به وجود می‌آورد (ولدی و معتکف ماسوله ۱۳۹۳). این موضوع به دلیل این است که زیرساختی وجود ندارد تا روبنایی بر آن بنا گردد؛ و محله‌های شهری به شکل کالبدی تشکیل می‌شوند از همین رو این محله‌ها فاقد روح زندگی می‌باشند. همچنین مارشال (۱۹۹۲) عدم هماهنگی در تعریف‌های هویت را این‌گونه برمی‌شمارد که «هویت از اجزاء بسیاری تشکیل شده است و به همین دلیل بیان نمودن دقیق هویت و هماهنگی مابین تعریف‌های هویت دارای چالشی فراوان است (Hague & Jenkins 2013)». اریکسون (۱۹۶۵) نیز عملکرد هویت را ایجاد هماهنگی مابین تصور فرد از خودش تحت عنوان شخصی پایدار در برخورد با دیگران می‌داند. کلاپ (۱۹۶۹) نیز در این باره به این نکته اشاره نمود که هویت تمامی آنچه را فراگرفته است که در طول زمان و به شکل باعتبار به فرد نسبت داده شده است و در این مضمون است که می‌بایست بیان نمود: یک محله شهری با محله شهری دیگر، متفاوت است. مونر و آدانز نیز، به مراحل تحول هویت اشاره می‌نمایند که در حال چرخش طی مراحل هویتی سردرگم و سریع می‌باشد (سیدیان و همکاران ۱۳۹۵). از این رو در جهت درک واژه هویت، می‌بایست به فهم دو معنای متضاد پرداخت؛ دو معنایی که در تضادهای دوگانه در روبروی یکدیگر قرار گرفته‌اند لیکن در واقع کامل‌کننده یک مفهوم تحت عنوان هویت می‌باشند. این دو معنا تفاوت و شباهت است؛ شباهت درون‌گروهی در عین تفاوت برون‌گروهی. این کیفیت به مفهوم متباین تمایز از غیر نیز شباهت دارد و می‌توان آن را در عین هماهنگی برشمرد. همچنین هویت به‌گونه‌ای ضمنی بیانگر این حقیقت است که هر رخداد از طریق جلوه دادن تعدادی صفات ذهنی و عینی، شباهت خودش را با گروهی از اشیاء و تفاوتش را از دیگر گروه بروز می‌دهد؛ از این رو هویت عامل شناخته شدن رخداد در ضمن بهره‌مندی از دو مفهوم شباهت و تفاوت معرفی و بیان می‌گردد (میرمقتدائی ۱۳۹۳).

هویت در اثر معمارانه

مفهوم هویت در اثر معماری موضوعی چالش برانگیز است که اغلب نظریه‌پردازان برای تشریح آن از مفاهیم دیگری استفاده کرده‌اند. برخی این مفهوم را معادل روح یا حس مکان در نظر گرفته گروهی آن را به‌عنوان شخصیت فضا (رلف، ۱۳۸۹)، و برخی دیگر آن را معادل معنای محیط و گروهی نیز هویت را به‌عنوان مشخصه‌های کالبدی اثر در نظر می‌گیرند. تعدادی از نظریه‌پردازان هویت را به‌عنوان زیرمجموعه معنا یا حس مکان در نظر گرفته و گروهی

دیگر روح و معنای مکان را به‌عنوان زیرمجموعه هویت ذکر می‌کنند. در هر صورت چنین واژه‌هایی اگرچه دارای تمایزات معنایی با یکدیگر بوده اما تمامی آن‌ها به برخی ویژگی‌های خاص محیط اشاره دارند که موجب یکتایی و تمایز یک محیط از سایر مکان‌ها شده و معنایی مشخص را بیان می‌کنند. به‌این ترتیب می‌توان مفهوم هویت را معادل معنای محیط در نظر گرفت و اختلاف میان دیدگاه‌های مختلف را در تمایز میان تعاریف و سطوح مختلف معنا بیان کرد (سلیمانی و همکاران ۱۳۹۱). مفهوم معنا در معماری یکی از گسترده‌ترین مباحث در حوزه نظریه‌پردازی معماری است. تمامی دیدگاه‌های مطرح‌شده در زمینه معنا در معماری نیز وابسته به تعاریف مطرح‌شده در باب ماهیت معنا بوده و ریشه در علوم مختلفی مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی و زبان‌شناسی دارد. به‌عنوان مثال برخی زبان‌شناسان (از جمله سوسور، چامسکی، پالمر، پیرس، کوپیر) به نقش ساختار زبان و قواعد نحو، برخی مردم‌شناسان (از جمله چامسکی، مالینوفسکی، بوس، ورف، سایپر، تیلور، هال) به تأثیر فرهنگ در فرایند ادراک و خلق معنا و برخی جامعه‌شناسان (از جمله تانن با ام، آزگود، سوسی) به بحث ارزش‌ها، تأثیر و جایگاه آن در حصول معنا تأکید می‌کنند (حبیب ۱۳۸۵). در مکتب گشتالت، معانی محصول عملکرد و شخصیت هندسی محیط بوده و در روانشناسی تأثیر ناخودآگاه بر شکل‌گیری و ادراک معنی موردبررسی قرار می‌گیرد. فروید نقش ناخودآگاه فردی و یونگ تأثیر ناخودآگاه جمعی را موردبررسی قرار می‌دهد. تمایز میان تعاریف مطرح‌شده در رابطه با مفهوم هویت در معماری را می‌توان از منظر سطوح مختلف معنا در معماری ادراک کرد. گیسون معنا را در شش سطح طبقه‌بندی می‌کند که شامل معنای ملموس ابتدایی، معنای استفاده، معنای ابزارها و ماشین‌ها، معنای ارزش‌ها، معنای نشانه‌ها، معنای نمادها است (میرمقتدائی ۱۳۹۳).

هویت فرهنگی واجزاء آن در کالبد شهر

فرهنگ به معنای باورها، نگرش‌ها، آداب و رسوم و سنت‌های هر جامعه می‌باشد. جستار از شخصیت و فرهنگ از جهتی تقسیم و تفکیکی نامربوط و طرح مسئله‌ای نادرست است. از سوی دیگر می‌توان بیان کرد که رفتار و موضوع نفسانی اشخاص آینه‌ای فرهنگ ناست و فرهنگی جدا از افرادی که آن را دارا هستند، نیست. از طرفی دیگر می‌توان بیان کرد که شخصیت بر اثر جریان فرهنگی شدن شکل می‌گیرد. مفهوم شخصیت دست کم تاحدی نماینده جذب موارد عناصر فرهنگ موجود در محیط می‌باشد (ضرغامی و همکاران ۱۳۹۶). در این راستا؛ همان گونه که وضعیت خاص طبقه اجتماعی رفتار و کردار خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد، معیارهای انفرادی و گروهی نیز وسیله ایجاد فرهنگ می‌باشند و به طور غیر مستقیم روی افراد تأثیر بسزایی دارد. عضویت در طبقه اجتماعی قابل تغییر می‌باشد؛ زیرا شخص می‌تواند به طریقی وضعیت خود را تغییر دهد و یا تبیین نماید (عیسی زاده ۱۳۹۵) اما تغییر فرهنگ و عوامل آن فقط از عهده یک فرد ساخته نمی‌باشد، بلکه گاهی اوقات نیز نیازمند زمان طولانی و تغییر یک نسل است. از این رو فرهنگ در شکل دادن شخصیت دارای اهمیت می‌باشد چون خصوصیات یک جامعه یا اجتماع خاصی را شکل می‌دهد و آنچه را به نام تمدن می‌خوانیم نمایان می‌سازد، مطالعه فرهنگ قبایل ابتدایی تر مراحل رشد فرهنگ را نشان می‌دهد (نقره کار و رئیسی ۱۳۹۱). در واقع آنچه انسان می‌سازد از بنای یک خانه گرفته تا یک

شهر، تجسمی از آرمان‌ها و ایده‌آل‌های فرهنگی می‌باشد. بنابراین راپورت فرهنگ به مجموعه ارزش‌ها و عقاید مردمی که آرمان‌ها و ایده‌آل‌های آن‌ها در یک جهان بینی بوجود آمده است؛ گفته می‌شود. بر پایه این اصول و قواعد است که مجتمع‌های زیستی در حال ساخته شدن به دست افراد مختلف به صورت یک کلیت با هویت در می‌آیند و قابلیت تبعیض از دیگر نمونه‌ها را پیدا می‌کنند (توسلی ۱۳۸۵). چنانچه تعاریف متفاوتی از فرهنگ‌گرایی وجود دارد، ولی از دیدگاه صاحب‌نظران چند فرهنگی «فرهنگ‌گرایی» را مقبول بر هرگونه تفاوت و هویت نمی‌داند، بلکه آن دسته از تفاوت‌ها و هویت‌ها را در بر دارد که ریشه در فرهنگ- به معنی مجموعه عقاید و اقداماتی که گروه‌ها و مردم خویش فهمی، جهان فهمی و زندگی فردی و جمعی خود را با آن‌ها ساماندهی می‌کنند- دارد. این تنوع فرهنگی ریشه در یک نظام معنایی مشترک و تاریخی دارد. از اینرو وی چندفرهنگ‌گرایی را راهی به تنوع فرهنگی یا تفاوت‌های مبتنی بر فرهنگ و نه هر تفاوتی به حساب آورده است (عیسی زاده ۱۳۹۵).

جلوه‌های مختلف گسست و گم‌گشتگی فرهنگی معماری

سرگردانی و گم‌گشتگی معماری امروز، در جلوه‌های مختلفی بروز می‌کند: بروز جلوه‌ها و قیافه‌های مختلف بناها در شهر و عدم تبعیتشان از الگو یا نظامی واحد؛ کاهش کیفیت مناسب بناها و کاهش طول عمر و پایداری شان؛ هیجان و شتاب موجود که در ذهن مردم برای مالکیت و سودآوری در موضوع ساختمان؛ سرعت یافتن بیش از حد در تنوع بخشی به معماری و ساخت و ساز کالبدی و ...

- دگرگونی بنیان‌های اندیشه‌ای در معماری امروز:

مدرنیته، عصر حاضر را در گستره گیتی، وحدتی معماگونه و تناقض آمیز بخشیده است؛ وحدتی مبتنی بر تفرقه که همه را به درون گرداب فروپاشی و تجدید حیات مستمر می‌افکند. شیوه تعامل با اندیشه‌های متفرق این عصر و چگونگی برگزیدن راهی مناسب از میان این همه افکار، ریشه در کثرت اندیشه‌های این عصر دارد. می‌توان چنین گفت در قلمرو رویدادهایی گرفتار آمده ایم که نمی‌توانیم به خوبی آن‌ها را دریابیم و در بیشتر موارد از دست ما خارج اند (نوفل ۱۳۹۵). ورود جهان به روزگار پست مدرن و کمرنگ شدن تمامی اصول و ارزش‌های پیشین، اعم از سنتی و مدرن، سرکشی حقیرترین باورها و پندارها در برابر اصیل‌ترین آن‌ها، معماری را در برابر معضلی فلسفی قرار داده است. این تکثر که از اصلی‌ترین ویژگی‌های معماری ایران در دهه‌های اخیر است، راهی یگانه را برای آینده معماری نشان نمی‌دهد؛ لیکن می‌توان آن‌را در قالب تکثر اندیشه در جهان تفکر، فلسفه و هنر ارزیابی کرد. معماری امروز، نقطه اتکاء روشنی ندارد آن‌چنان که در آثار معماری معاصر، به جز مواردی انگشت شمار، اثری با ارزش و قابل بحث یافت نمی‌شود. وجود چند نمونه شاخص در سطح کشور هیچ‌گاه نمی‌تواند با انبوه فعالیت‌های ساختمانی آشفته و فاقد اندیشه که در حال انجام است، مقابله کند. نمونه‌های برتر و شاخص معماری در هر دوره، حاصل شرایط زیست عمومی معماری آن دوره نیست؛ بلکه می‌توان آن‌ها را محصول شرایط گلخانه‌ای دانست. در این راستا برخی از صاحب‌نظران در خصوص دگرگونی‌های فرهنگی معماری ایران سنت و مدرنیته را همانند دو قطب قوی در یک جامعه می‌داند و احوال جامعه ایران را در نوسان بین این دو قطب برمی‌شمرند. ایشان با اشاره به

اصطلاح و مفهوم ترجمه نوآوری مشکل را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اشکال در همین ترجمه می‌دانند. گم گشتگی معماری امروز ایران را می‌توان متأثر از سرگردانی جامعه ایرانی در میان این دو قطب دانست (نوذری، ۱۳۹۵).

- تعامل با الگوها و نسخه‌های دنیای غرب در معماری امروز:

زیستن در زمانه کنونی با روند بسیار شتابان رویدادها، بسیار متفاوت با گذشته‌هاست و نگرش دگرگونه را نیز طلب می‌کند. یکی از این ویژگی‌های چنین دوره‌ای در قالب اصطلاح جهان‌شمولی مبادلات فرهنگی بازگو می‌شود. تفکر جهانی شدن مقوله فرهنگ، تعامل و دخالت فرهنگ‌ها را مطرح می‌کند. باید توجه داشت که "فرهنگ‌ها ایستا نیستند و در طول زمان تحول پیدا می‌کنند. این تحولات، (با تعاملات فرهنگی) در عصر جهانی شدن، تسریع شده است (پرویزی، ۱۳۸۸).

هویت اجتماعی

هویت در نظریات جامعه‌شناسان، ساخته و پرداخته ظرف زمان و مکان است و در نظریه‌های روان‌شناسان اجتماعی، فرآیندهای روانی شخص، نقش ضروری در ساخت و پرداخت هویت اجتماعی او ایفاء می‌کنند. پرورش این نظریه توسط ریچارد جنکینز و تحت تأثیر اندیشه‌های افرادی چون «هربرت مید»، «اروینگ گافمن» و «فردریک بارث» انجام شده است. نقره کار "هویت را در یک نگاه طولی و ریشه‌دار به دو جنبه کالبدی و روحی یا ظاهری و باطنی تقسیم کرده است که دین و محیط عناصر پایه‌ای هویت اجتماعی محسوب می‌شوند (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۶). بهترین تعریف از هویت اجتماعی بیان تعریفی است که در آن "فرد، بر اساس عضویت در گروه‌های اجتماعی چه تعریفی از خویشتن دارد." در این راستا، هویت اجتماعی به‌طور کلی از طریق قیاس‌های اجتماعی تشکیل می‌شود، قیاس‌هایی که بیرون و درون گروه را از یکدیگر جدا می‌نماید. بنابراین اگر شخص، در مقایسه خود با دیگران و سنجش ارتباطش با آنها معنا یابد، جایگاه و ویژگی‌هایی را برای خود تعریف می‌کند؛ که همین جایگاه و ویژگی‌های سبب می‌گردد تا هویت اجتماعی وی تشکیل شود. ضمن اینکه هویت اجتماعی مفهومی است که شخص از خودش در ارتباط با دیگران دارد و بر مبنای عضو شدنش در گروه‌ها و رده‌های مختلف اجتماعی تشکیل می‌گردد، چرا که هویت اشخاص به شناسایی و برداشت‌های دیگران وابسته است و ناسایی دیگران جهت تثبیت هویت ضروری است، ضمناً در اصلی‌ترین مفهوم هویت، میزان شباهت‌ها و تفاوت‌ها مطلق است (جنکینز، ۱۳۸۱). معنای هویت اجتماعی بر مبنای وجود مجموعه رفتارهای سازمان‌یافته بین گروهی است که به نوع اجتماعی به شکل مشابه و یکسان انجام می‌شود و شناخت هویت اجتماعی کوششی است جهت تحلیل الگوهای مکرر و قسمت‌ها و دیدگاه‌هایی که در گروه‌های اجتماعی موجود است. هویت اجتماعی از نگاه نقره‌کار، به یک نگاه طولی و عمیق به دو بعد روحی و کالبدی و یا باطنی و ظاهری بدل گشته است (Noghrekar et al 2009) که در آن محیط و دین به‌عنوان عناصر پایه محسوب می‌گردند. زیرا؛ هویت عبارت است از: پنداشت نسبتاً ثابت فرد از کیستی و چیستی خود که در ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر تعریف شده و از طریق تعاملات اجتماعی و در فرآیند اجتماعی شدن

تکوین می‌شود و در این حین هویت اجتماعی بیانگر ویژگی‌های اجتماعی رفتارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها همراه با عقاید متفاوت گروه‌های اجتماعی است، ضمن آنکه در این نوع از هویت فرد بر اساس عضویتش در گروه‌های اجتماعی، به بازتابی از هویت اجتماعی خود می‌پردازد. لذا؛ طرح ساختاری هویت اجتماعی بر این اساس است که در تمام مؤلفه‌های سازنده آن، برای جامعه‌ای که متعادل است، عواملی مانند: محیط و دین تحت عنوان اولین لایه باهم تعامل برقرار می‌کنند. در این راستا، جامعه‌هایی که بر مبنای ادیان از مؤلفه دین تحت عنوان ستون تمام دیگر عناصر استفاده می‌نمایند و جامعه‌های غیردینی مؤلفه‌هایی چون تاریخ، جامعه، نژاد و قومیت را اساس می‌دانند و دیگر لایه به سنت رایج و جاری جوامع اختصاص دارد که در آن جوانب آشکار و پنهان هویدا است (چاوشیان ۱۳۸۳) و در این جامعه ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و رفتارها همراه با شکل زندگی مردم و ... جملگی سنت آن جامعه محسوب می‌گردند. در طول زمان، ابعاد پنهان سنت - مانند عقاید و ارزش‌ها - سبب شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه می‌گردند و نقش تمدن نیز به صورت تبلور کالبدی فرهنگ و متناسب با سنت‌های آن جامعه تشکیل می‌گردد و سرانجام در بالاترین لایه نیز سیاست قرار دارد که اصول اساسی آن توسط دین از دل اجتماع یا طبیعت تعیین می‌شود (پارسا ۱۳۹۵).

عوامل موثر در هویت اجتماعی

- آداب و رسوم

آداب و رسوم هنجارهایی است برای هشدار به مردمان، تا به انجام فعالیت‌های روزمره خود بر روال عادی و مرسوم بپردازند. آن‌کس که در برابر شدن خود با شیوهی مرسوم زندگی شکست می‌خورد، موردانتقاد و نکوهش و تمسخر دیگران قرار می‌گیرد. به دلیل آنکه روش‌های مرسوم زندگی جنبه‌های شدید در دلالت‌های اخلاقی خوب و بد را ندارند، روبرگرداندن از آن، به‌طور معمول با مخالفت و رد ملایم دیگران مواجه است. برخی شیوه‌های مرسوم عبارت‌اند از: آداب اجتماعی، راه و رسم ادب و تربیت، نحوه خاص بیان مطالب، شیوه لباس پوشیدن سزاوار. ممکن است رسوم و عادات تنها در بخش‌هایی از جامعه، مانند برخی گروه‌های سنی، گروه‌های قومی، طبقات اجتماعی یا افراد یک جنس (زن و مرد) مورد استفاده قرار گیرد. این گروه‌ها ممکن است دارای الگوهای کلامی متفاوتی باشند یا از عادات غذایی، نحوه گذراندن اوقات فراغت، نحوه لباس پوشیدن یا همان نوازی خاصی پیروی کنند. همچنین ممکن است آن‌ها بر آداب یا قواعد متفاوتی در باب احترام تأکید داشته باشند (بهزاد فر ۱۳۹۰).

- زبان

یکی از جزئی‌ترین مواردی که در بین تمام فرهنگ‌های گوناگون انسانی عمومیت دارد، این است که می‌دانیم همه آن‌ها دارای زبان هستند. بی‌همتایی زبان انسان نظریه‌پردازی چون لئبرگ را داشته است تا مطرح کند که زبان یک توانایی مختص به نوع است که بر اثر انتخاب طبیعی در انسان کمال یافته است. زاویگوتسکی به بیان ویژگی دیگر مهم زبان پرداخته است. زبان تنها واسطه ارتباط بیرونی بین مردم نیست بلکه واسطه‌ای درونی نیز هست که برای تأمل کردن، بازنمایی، آراستگی و سازمان‌دهی دنیای بیرونی خود نیز بکار می‌رود. زبان به‌عنوان اصول و مقرراتی از

نشانه‌ها در قلب زندگی اجتماعی هر شخص و همچنین در قلب تکامل اجتماعی و فرهنگی استقرار می‌یابد (پارسا ۱۳۹۵). به‌کارگیری زبان در بین تمام فرهنگ‌ها یک خصوصیت انسانی جهانگیر است. تفاوت در استفاده از زبان بین فرهنگ‌های مختلف نیز به همان اندازه مهم است. زبان و فرهنگ واکنش نزدیکی با یکدیگر دارند. شیوه‌ی نامیدن و مقوله‌بندی موضوعات بازتابیده نحوه نظاره ما به دنیاست و دربرابر ما به‌وسیله به هم‌وابستگی حتی می‌توان از این هم پیش‌تر رفت. همان‌طور که ویگوتسکی بیان می‌کند: گفتار درونی (واسطه اندیشه) و گفتار بیرونی (واسطه ارتباط اجتماعی) به هم وابستگی دوسویه دارند، در نتیجه تفاوت‌های فرهنگی نه تنها بر استفاده از زبان به عنوان واسطه ارتباطی تأثیر می‌گذارند، بلکه تفاوت‌های موجود در اندیشه نیز به وسیله زبان پدیدار می‌گردند (هاشمی زاده موتاب ۱۳۹۱).

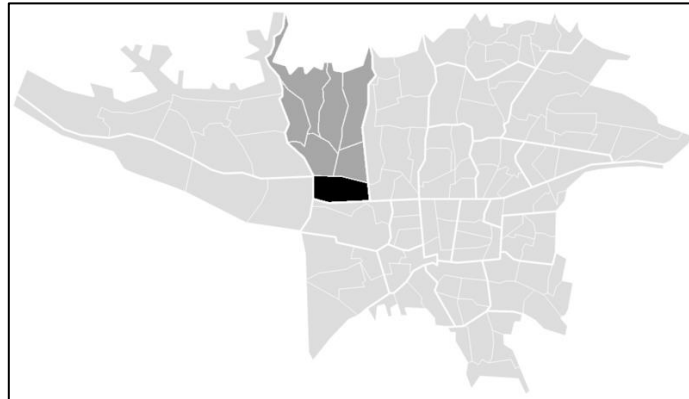
محدوده مورد مطالعه

شهرک اکباتان

شهرک اکباتان (شکل ۱) به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرک‌های خاورمیانه در شمال جاده مخصوص کرج و در ۵ کیلومتر ۵ میدان آزادی تهران واقع بوده و بر اساس نظام تقسیمات کالبدی شهرداری تهران بخشی از ناحیه ۶ منطقه ۵ محسوب می‌شود. ناحیه ای به نسبت گسسته از ساختار کل منطقه که تنها، موقعیت جغرافیایی آن سبب تجمع آن با سایر نواحی منطقه شده است. ناحیه یاد شده نه به لحاظ عملکردی و نه به لحاظ سیمایی هیچ‌گونه تشابهی با نواحی دیگر نداشته و به واسطه دربرگرفتن چهار مجتمع سکونت‌ی کوی بیمه و شهرک‌های اکباتان، شهید فکوری و آپادانا دارای عملکرد غالب سکونتگاهی و خوابگاهی است (مهندسان مشاور شارمند، ۱۳۸۲). در این میان شهرک اکباتان به عنوان یکی از نخستین تجربیات نظام شهرسازی ایران در زمینه بلند مرتبه سازی و به واسطه موقعیت مکانی آن که در یکی از مبادی ورودی پایتخت واقع شده، نه تنها در سطح منطقه بلکه در سطح شهر نیز واجد جایگاه و اهمیت خاصی است. این شهرک که از شمال به کوی فردوس، از جنوب به فرودگاه مهرآباد، از غرب به صنایع هواپیماسازی و از شرق به شهرک آپادانا محدود می‌شود، از ۳ فاز و ۳۳ بلوک تشکیل شده است و جمعیتی در حدود ۷۰۰۰۰ نفر دارد که در ۱۵۵۹۳ واحد مسکونی سکونت دارند (شکل ۲) (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۹).



شکل ۲. نقشه هوایی شهرک اکباتان با معرفی فاز های ۱ و ۲ و ۳ این شهرک، (<https://disamag.com>)



شکل ۲. طرح ساخت شهرک اکباتان، (شهرداری منطقه ۵ تهران، ۱۳۹۹)

یافته های پژوهش

با توجه به تحلیل های صورت گرفته بر اساس مصاحبه با پژوهشگران در رابطه با شهرک اکباتان مشخص گردید که از آنجایی که هر مکان دارای کالبدی مصنوع یا طبیعی است که شناخت مکان بدون آن تحقق نمی یابد چشم انداز دور و نزدیک، منظر طبیعی و مصنوع، بدنه ها، نشانه ها، عناصر اصلی کف و بام، خطوط آسمان، مسیرها و مواردی از این دست بستری را فراهم می آورند که شناخت مکان بدون شناسایی آن ها به درستی امکان پذیر نیست (دربان، ۱۳۹۶)، معنادار بودن مکان، بودن و زیستن در مکان را خوشایند می سازد اگر این خلأ احساس شود تعلق خاطر نسبت به آن مکان باقی نمی ماند. از این رو کالبد فیزیکی اگر دارای ضعف ساختاری باشد ضعف معنایی مکان را به همراه می آورد و فرد نمی تواند با مکان احساس پیوند برقرار کند و این امر بی هویتی مکانی را سبب می شود. تصویر ذهنی که از یک ساختمان ایجاد می شود حائز اهمیت است. تصاویر ذهنی افراد در مکان های متفاوت یکسان نیست تجربه های متنوعی که در مکان زندگی افراد ایجاد می شود توسط مردم درک می شود و در خلق زندگی اجتماعی و هویت مکان نقش بسزایی دارد. اکثر ساکنین شهرک اکباتان به هویت مکان دست یافته اند و توانسته اند محل زندگی خود را با دیگر جاها تمیز بدهند. طراحی فیزیکی و کالبدی مکان در این امر نقش مؤثری داشته است. همچنین در ساخت این شهرک معماران سعی کردن با توجه به نیازهای روز کاربری هایی را برای برطرف کردن نیازهای روزمره در نظر بگیرند. با بررسی های صورت گرفته در خصوص متغیرهای کالبدی و با توجه به مشاهدات میدانی و آمار توصیفی در بحث کالبد شهرک اکباتان جنس مصالح بکار رفته در نمای ساختمان ها بتن و شیشه است و بخش قابل توجهی از ساکنین این نوع مصالح را برای نما مطلوب دانسته اند و مقدار کمتری از ساکنین نیز تمایل به نماهای جدیدتر داشتند. ساکنان ترکیب بندی و رنگ را به لحاظ تأمین آسایش بصری، سایه اندازی های مناسب در محوطه و ایجاد فضایی مطلوب مثبت ارزیابی کردند. از این رو می توان بیان نمود که مؤلفه های کالبدی بستر ساز روابط اجتماعی است. هویت محیطی تنها از طریق محیط شکل نمی گیرد، بلکه تعامل با محیط های اجتماعی نیز در شکل گیری آن تأثیر بسزایی دارند. معیارهای کالبدی مانند جنس مصالح، فرم و شکل بنا و همچنین رنگ مصالح در ارتباط گیری افراد با محیط ارتباط مستقیمی دارد. از این رو کالبد مجموعه بر هویت ساکنین ارتباط دارد. عوامل هویت اجتماعی فرهنگی در بعد شهرسازی بسیار کم رنگ بوده حال آنکه در محیط داخلی واحدهای مسکونی

توجه به این اصل افزایش یافته است. این چنین به نظر می‌رسد در شهرک اکباتان تهران بعد معماری و توجه به ابعاد هویت اجتماعی فرهنگی در طراحی تک بناها بیشتر از فراتک بناها بوده است. در فضای شهرک پیوستگی اجزاء در یک کل هدفمند مشاهده می‌شود که خود این عامل باعث افزایش هویت اجتماعی می‌شود. در مطالعات مانند این تحقیق این نتایج حاصل شد که آنچه در عوامل کالبدی شهرک اکباتان قابل مشاهده است ویژگی‌های خاص مانند سکوت، آرامش، استحکام، نورگیری مناسب، امنیت و فضای سبز است. ضمن آنکه شهرک اکباتان از هویت مطلوبی خوبی برخوردار است و فضای سبز میان بلوک‌ها فضای مناسبی برای تعاملات اجتماعی است. دیدمستقیم و نظارت چشمی بر فضای سبز شهرک باعث افزایش حس تعلق ساکنین شده است. فضای باز مجتمع مسکونی در شهرک اکباتان به‌عنوان فضایی جهت ارتباط ساکنین از جمله ویژگی‌های مؤثر بر دل‌بستگی به مجتمع است. ویژگی مقیاس انسانی مجتمع زیستی با درجه محصور بودن مناسب، نقش عناصری مانند المان‌ها، فضاهای نشستن و پیاده‌روی، فضاهای سبز هم که بستر ساز دیدن ساکنین را تأمین می‌کند، همگی نقش مؤثری در افزایش حس دل‌بستگی به محل زیست و به تبع هویت دارد. حس آسایش، آرامش و تداعی خاطرات فردی و جمعی به واسطه حضور در فضا نقش مؤثری در دل‌بستگی در چنین فضایی داراست.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهرک اکباتان. (نگارندگان).

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهرک اکباتان	توضیحات
عوامل اجتماعی	در فضاهایی مانند راهروها تعامل اجتماعی ویژه ای رخ نمی‌دهد و ساکنین از بخش‌هایی رضایت دارند که به فضای جمعی ختم می‌شود.
عوامل کالبدی	ساختمان‌های بلند باعث وجود تمایز این محله با محلات دیگر نیست.
عوامل کارکردی	مجموعه از نظر کارکردی خودکفاست.
عوامل ادراکی - روانی	به دلیل غالب بودن ساختمان‌ها خوانایی کم است.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شهرک‌های مسکونی دارای نشانه‌های معناداری هستند که ریشه در فرهنگ و اجتماع دارند. این مکان‌ها به‌عنوان قلب تپنده شهر محسوب شده که باعث تعاملات اجتماعی، افزایش حس تعلق، حس خاطره‌انگیزی و ارتقا هویت به‌عنوان فضاهای سرزنده و پویا می‌شوند. در این راستا مجموعه شهرک اکباتان در حال حاضر علاوه بر داشتن جایگاهی مناسب به جهت ویژگی‌های خاص معماری، در حکم فضای شهری پویا به حیات خود ادامه داده است و به جهت ارتباط با هویت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مخاطب خود، حضور در زندگی اجتماعی و حافظه فرهنگی و دارا بودن کارکردی زیبایی‌شناختی به واسطه معماری شاخص، به‌عنوان عنصر شهری واجد اهمیت مطرح شده است. مجموعه شهرک اکباتان با کاربری‌های متنوع کامل‌ترین شهرک در شهر تهران است که دارای بازار، مجتمع‌های مسکونی، کافی‌شاپ‌ها، هایپر‌ها و مگامال است.

در بازخوانی هویت شهرک اکباتان از منظر پدیدارشناسی، علاوه بر کالبد ارزشمند بنا به جهت خلق تجربه حسی غنی، آنچه پویایی و حیات هویت کنونی آن را رقم می‌زند، هماهنگی و قرابت با زمینه‌های اجتماعی مکان و به تبع آن دلالت‌های فرهنگی، برداشت‌های ذهنی و ادراکی مخاطبان از فضا است که جنبه‌های خاص هویت مجموعه را در دلالت‌های ذهنی و مفهومی جستجو می‌کند. مجموعه شهرک اکباتان به جهت تعامل میان ظاهر (ویژگی‌های کالبدی) و باطن خود (مؤلفه‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی) گام در جهت تقویت ایجاد ادراکات ذهنی غنی در

ذهن مخاطب داشته است. لذا معرفی هویت خاص و منحصر به فرد این شهرک، هماهنگی با ذهنیت مخاطبان و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خاص بنا در نقش کنونی خود در فضای شهرک نقش مؤثری ایفا می‌کند، از این رو با رجوع به مدل مفهومی پژوهش و کدهای نهایی به دست آمده که همگی بر محوریت مؤلفه‌های ذهنی، مفهومی، فرهنگی و اجتماعی در تحقق هویت خاص به نمونه موردی اشاره داشته‌اند (جدول ۲). بر اساس کدهای گزینشی و روش پدیدارشناسانه اول شخص و آگزیستانسیالیست در راستای انطباق با ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه صورت گرفته است می‌توان چنین عنوان کرد که خوانش هویت فرهنگی اجتماعی شهرک اکباتان در نگرش پدیدارشناسانه به آن، درگرو توجه و اهمیت به آن دسته از خصوصیات کالبدی، عملکردی و معنایی مجموعه است که توسط ذهنیت و تجربه مخاطبان با ادراک آنان و مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی پیوند یافته است. مؤلفه‌هایی که هویت خاص مجموعه را در معرفی آن به عنوان "فضای تجربی، ادراکی، اجتماعی و عمومی، غنی و مرتبط با واکنش و احساس مخاطبان، دارای احساسی از تعلق و وابستگی شهروندان و آشنا و ماندگار در ذهن آنان و نیز در هماهنگی با زمینه و مجهز به رویدادها و فعالیت‌های معنادار" معرفی می‌کنند. نتایج حاصل از مطالعه انجام شده در نگرش پدیدارشناسانه به شهرک اکباتان در راستای بررسی ابعاد معنایی و هویت خاص مجموعه نشان از تعامل و ارتباط غنی ویژگی‌های مکان مورد بررسی با برداشت‌های ذهنی مخاطبان و پیوند تنگاتنگ با مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد که مجموعه حاضر را ضمن اهمیت تاریخی آن که به واسطه ویژگی‌های غنی معماری ایجاد شده است، به عنوان مکانی با هویت پایدار در شهر تهران تبدیل می‌کند. در بررسی‌ها و مشاهدات کنونی انجام شده در محل نمونه مورد بررسی، هویت خاص این شهرک به سبب ارتباط با ذهنیت مخاطبان، تأثیرگذار بر رفتار آنان در تجربه فضایی، تمایل آنان به شناخت و ادراک حسی غنی از فضا و درک هماهنگی مجموعه با زمینه قرارگیری خود و کیفیت فعالیت‌ها، اهمیت برگزاری رویدادهای ملی در احساس تعلق و خلق تصاویر ذهنی از فضا نزد شهروندان و اجتماعی بودن این شهرک، نمونه مورد بررسی را به فضایی پویا و منحصر به فرد نسبت به سایر شهرک‌های شهر تهران که در راستای باز زنده سازی جهت استفاده شهروندان به عنوان فضای شهری مطرح شده، تبدیل می‌کند (جدول ۳).

جدول ۲. شاخص‌های بررسی نمونه موردی در تطبیق مطالعات نظری و مشاهدات میدانی، (نگارندگان)

کد گذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی	کدهای مرتبط با مشاهدات و ثبت اتفاقات رخ داده (رویکرد پدیدارشناسی اول شخص و آگزیستانسیال)	کد نهایی
پدیدارشناسی مفهوم مکان	تجربه به واسطه حواس	تجربه اصیل به واسطه به‌کارگیری حواس	مشاهده فعالیت‌های گوناگون به جهت قابلیت‌های عملکردی شهرک.	فضای تجربی
	تجربه روزمره	اهمیت آگاهی فرد از فضا	تجمع افراد و گروه‌ها، ملاقات صمیمانه و ارتباطات.	
	تعاملات اجتماعی	خاطره ویژگی‌های درونی و ذهنی حس تعلق خاطره انگیز و آشنا	سرزندگی مشاهده حضور گروه‌های سنی مختلف عصری آشنا و ماندگار در شهرک (المان).	تنوع ادراکی در تجربه
	اهمیت آگاهی فردی	تجربه ادراکی فضا با حواس	-	
خاطره مرتبط با جنبه‌های زندگی فرد	اهمیت رفتار کاربر در مواجهه با مکان (درک میزان)	تعلق و وابستگی به فضا خاطره‌انگیزی و ارتباط	قابلیت شهرک در شناساندن خود به شهروندان و مخاطبان جهت بازدید از مجموعه‌های تفریحی و مراکز خرید.	تعلق، وابستگی،

تمایل به تجربه	فضایی عمومی به جهت پذیرش اقشار مختلف.	با حافظ تاریخی	تأثیر مکان در رفتار خاصی (از مخاطب)		
-آشنایی ذهنی و ماندگاری	سهولت رفت‌وآمد مخاطبان، تمایل به ماندن در فضا و گذران اوقات فراغت در ساعات مختلف روز	تأثیر کیفیت‌های خاص فضایی بر رفتار مخاطب	ارتباط با جنبه‌های مختلف زندگی فرد	رفتار کاربران در مواجهه با مکان	
فضای رویدادها	آرامش به جهت نوبت یکدستی مصالح و فرم‌های بکار رفته در مجموعه‌های اقامتی این شهرک. ارتباط منطقی ساختمان‌ها با فضای باز.	بروز اتفاقات و رویدادهای معنادار در فضا	ارتباط با ارزش‌ها توجه به عادات	ویژگی درونی تاریخی فرهنگی	ویژگی‌های فرهنگی
فضای اجتماعی فضای عمومی	تمایل به تجربه فضا و گردش و شناخت آن.	ارزش‌ها و جنبه‌های تاریخی	اهمیت بر عقاید اهمیت جنبه تاریخی القاکننده مفهومی معنادار به واسطه نشانه‌ها	عادت‌ها	عادت‌ها
فضای واکنش برانگیز و هماهنگی و عدم تضاد با زمینه	عجین شدن و هماهنگی بازمینه فراگیری خود. تجربه حسی غنی از تجربه بخش‌های مختلف تنوع در مسیرهای ارتباطی و سیرکولاسیون حرکتی و ارتباط و هماهنگی توده و فضا در شهرک.	امکان تعاملات اجتماعی در فضا	رویدادهای معنادار تعاملات اجتماعی تأمین فعالیت‌ها	فعالیت و عملکرد عقاید و ارزش‌ها تأمین فعالیت‌ها ظاهر ویژه	فعالیت و عملکرد عقاید و ارزش‌ها تأمین فعالیت‌ها ظاهر ویژه
غنا احساسی کیفیت فعالیت‌ها	قابلیت مجموعه در همراه ساختن مخاطب با خود(مشاهده رفتار متفاوت از مخاطبان در بخش‌های مختلف: درنگ، حرکت و...).	مشاهده تنوع فعالیت‌ها غنا عملکردی در رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و روزمره	غنا عملکردی در زمینه اجتماعی هماهنگ با جنبه‌های زندگی اجتماعی و روزانه مخاطب	دارای مفهوم و نماد تجربه ذهنیت تعلق و وابستگی خاطره انگیزی رویکرد معنادار	دارای مفهوم و نماد تجربه ذهنیت تعلق و وابستگی خاطره انگیزی رویکرد معنادار

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

جدول ۳. بررسی مولفه‌های رویکرد پژوهش در شهرک اکباتان، (نگارندگان)

مصدق	مؤلفه
تمایل مخاطبان شهرک به گردش در مجموعه و شکاف بخش‌های مختلف آن به جهت تنوع سیرکولاسیون حرکتی و مسیرها تکرار فضاهای باز و بسته. وجود کاربری‌های فرهنگی و تفریحی در قسمت‌های مختلف.	فضای تجربی
تجربه فضایی غنی به واسطه حواس پنجگانه در کاربرد خاص مصالح و ویژگی‌های هریک در خلق احساس متفاوت در مخاطب به لحاظ جنس، رنگ، فرم و... ارتباط با طبیعت و تنوع کاربری‌های قدیمی واصل.	تنوع ادراکی در تجربه
مشاهده احساس تعلق ساکنان و مخاطبان به فضا به واسطه حضور مطمئن آنان به مثابه تجربه فضایی آشنا. تمایل و راحتی در رفتار تجربه کنندگان جهت شناخت بخش‌های مختلف مجموعه. تمایل به ماندن در فضا و سپری کردن مدت زمان طولانی از اوقات فراغت خود در ساعات مختلف روز در شهرک.	تعلق و وابستگی تمایل به تجربه
مطرح شدن مجموعه به عنوان نشانه شهری در ذهن مخاطبان و ماندگاری آن. احیای تصویر ذهنی فضا در ذهن مخاطبان. تبدیل شدن به عنصری آشنا در شهر تهران برای بازدید و رفت و آمد مردم.	آشنایی ذهنی و ماندگاری
تعاملات اجتماعی، تجمع افراد و گروه‌ها، برخورد و ملاقات‌های دوستانه پذیرش ساده اقشار مختلف جامعه	فضای اجتماعی
قابلیت‌های شهرک در جهت همراه ساختن و جهت‌دهی رفتار مخاطب بر اساس مفاهیم کالبدی ویژه خود. تعریف سلسله مراتب حرکتی و جهت‌دهی به مسیر نگاه مخاطبان به واسطه پنجره‌های یک شکل و طول بر روی نما و کفسازی‌های محوطه. مشخص نبودن انتهای مسیرها و تکرار فضای باز.	فضای عمومی
همه‌انگهی مجموعه با فضای اطراف و زمینه خود. قرارگیری کاربری‌های متنوع. پویایی شهرک. آرامش فضایی و دوری از هرج و مرج به واسطه ارتباط فضایی منطقی میان فضای باز و بسته. سرزندگی به واسطه مشاهده حضور گروه‌های سنی مختلف.	فضای واکنش برانگیز
مشاهده فعالیت‌های اختیاری به جهت قابلیت‌های عملکردی مجموعه (فعالیت‌های هنری و گردش و تفریحی و...).	فضای دارای غنا حسی
	فضای مجهز با کیفیت فعالیت‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

بر اساس دیدگاه پدیدارشناسی به هویت شهرک اکباتان می‌توان بیان نمود که در این شهرک عوامل مؤثر در خلق هویت اجتماعی و فرهنگی به شرح ذیل می‌باشند:

تأثیر پذیری از ایدئولوژی و اندیشه‌های حاکم بر نوع طراحی شهرک و نگاه معمار و تشکیل یک واحد اجتماعی تکامل‌پذیر.

چهره و نمای شهرک روی رفتار گروهی و فردی تأثیر گذاشته، رفتار فردی متأثر از رفتار گروهی و صفات فرد است و مجموع صفات فردی صفات گروهی را می‌سازد که ساخت اجتماعی متأثر از این صفات گروهی است. لذا استفاده از اصول مناسب در نمای مجتمع‌های مسکونی شهرک اکباتان توانسته است منجر به تأثیرات مفیدی در این راستا گردد. ضمن آنکه این بناها توانسته‌اند ادراک فضایی و ایجاد تصویری روشن از کالبد شهرک را در ذهن مخاطب ایجاد نمایند. همچنین احترام به انسان و محوریت انسان در طراحی فضاهای این شهرک بالأخص فضای سبز و تفریحی، رعایت مقیاسی انسانی به شکلی مطلوب و مردم‌پسند، نمود بارز فضای مردم‌وار است، که سبب بهبود هویت فرهنگی این شهر گشته است. ضمناً در فضای این شهرک پیوستگی اجزاء در یک کل هدفمند و منظم بوده که در عین کثرت خود مطلقاً کل مجرد نبوده، بلکه با اجزاء دیگر وحدت یافته و به یک کل کمال‌گرایانه از دیدگاه هویتی فرهنگی و اجتماعی رسیده است.

از دیدگاه ساکنان، کیفیت مکان‌های عمومی شهرک اکباتان خوب است و مناسب‌سازی برخی از پارامترهای تعیین‌کننده مؤلفه‌های معنایی همچون خوانایی موجب افزایش سطح کیفیت محیط و حضور بیشتر ساکنان در این فضاها می‌گردد.

طراحی مگامال و هاپیر می‌در قلب شهرک اکباتان سبب گشته است تا هویت این شهرک که در پی احداث فازهای اولیه مسکونی، در این شهرک شکل گرفته بود، خدشه دار شود و به سمت غرب‌گرایی و مدرنیته پیش رود. ایجاد کاربری‌های تجاری بارویکرد مدرن بدون در نظر گرفتن امکان‌سنجی و نیازسنجی شهروندان علاوه بر برهم زدن ساختار کاربری‌های در حد محله که باعث برهم خوردن ساختار اشتغال افراد بومی شهرک شده باعث افزایش ورود افراد از بیرون مجموعه به درون بافت شده که باعث کم‌رنگ شدن حس امنیت و حس تعلق بین ساکنین شده است. علاوه بر این موارد نوع سازه مگامال نیز باعث برهم خوردن هارمونی شهرک شده است و به‌مانند یک عنصر غیر عضو در این مجموعه حس مطلوبی را به ساکنین منتقل نمی‌کند.

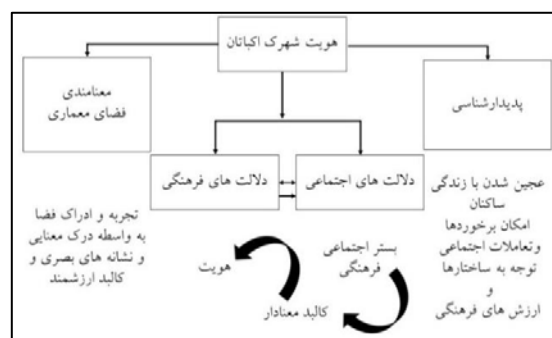
نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

میان معماری و کالبد بناهای شهرک اکباتان و هویت اجتماعی- فرهنگی این شهرک رابطه‌ای مستقیم و معنادار برقرار است. چراکه به لحاظ هویت اجتماعی که در نوع و میزان سرمایه اجتماعی شکل گرفته در شهرک اکباتان نمایان است؛ جامعه ساکن در اکباتان، واجد سطح بالایی از سرمایه اجتماعی است که در قالب روابط همسایگی، آشنایی‌ها و دوستی‌ها در مقیاس شهرک، و همچنین نهادهای اجتماعی متنوع شهری شکل گرفته است. به لحاظ هویت فرهنگی معماری شهرک اکباتان که در ابتدا با ساده‌گرایی و توجه به اصول معماری شهرک‌نشینی متناسب با فرهنگ ساکنان

شکل گرفته بود، رفته‌رفته از شکل ابتدایی خود خارج گشته و اصولی مانند محرمیت، عدم استقرار ورودی‌ها در مقابل یکدیگر، نوع و جهت بازشوها، کیفیت مصالح و... کنار گذاشته‌شده و معماری این شهرک به سمت مدرنیته گرویده است. از این رو معماری این شهرک با توجه به عناصر کالبدی خود و برپا نمودن فضاهای تفریحی مدرن از جمله کافی‌شاپ‌ها و هایپرمری در قلب مجموعه بافرمی متفاوت از فرهنگ بومی شهرک اکباتان سبب گشته است تا نسل جدید ساکن در این شهرک از هویت فرهنگی خود یا خانودشان خارج گشته و به هویت جدید واقع در این شهرک که همسو با جامعه امروز پیش رفته است، گرایش پیدا کنند. لذا تغییر هویت فرهنگی ساکنان شهرک اکباتان درگرو تغییر کالبد و معماری این شهرک است.

با نظر به بررسی معنا شناسانه در خصوص هویت خاص فضاهای تاریخی، با رویکردی پدیدارشناسانه به مسئله هویت مکانی، همبستگی و رابطه تعاملی میان هویت خاص شهرک اکباتان، غنای حسی ناشی از تجربه آن و هماهنگ‌سازی و انطباق مکان با شرایط و بستر ذهنی- رفتاری، اجتماعی و فرهنگی دیده می‌شود. با توجه به آنکه هماهنگی و قرابت با زمینه‌های اجتماعی مکان و به تبع آن دلالت‌های فرهنگی، برداشت‌های ذهنی و ادراکی مخاطبان از فضا به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی در هویت خاص شهرک اکباتان است، بدین ترتیب این مؤلفه‌ها نقش ویژه این شهرک را در حکم فضای شهری پویا متأثر از دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی صرف کالبد ارزشمند و خصوصیات کلی مجموعه در غالب هویت عمومی آن مطرح می‌نمایند. براین اساس می‌توان هویت شهرک اکباتان را شهر تهران متکی بر ابعاد خاصی از فضا و قابل‌تعمیم و نشأت گرفته از دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی دانست که هم‌راستا با تجارب حسی معنادار و غنی از کالبد بنا، در بخشیدن هویت خاص به مکان و استمرار حیات معنایی آن نقشی تأثیرگذار ایفا می‌کنند (نمودار ۱). در نتیجه شهرک اکباتان در انتقال هویت خود به شهروندان- در قالب کالبد معماری- به همراه پذیرش تجارب زیستی و فرهنگی آنان و عجزین شدن بازندگی شهروندان قرار دارد. بدین ترتیب علاوه بر کارکرد معمارانه خود، در پی تحولات معنایی رخ داده در نحوه عملکرد آن در مانند پذیرش حضور شهروندان و آمیختگی با رویدادها و زندگی روزانه آنان، از معنای کالبدی خود فراتر رفته و در برخورد با دلالت‌های ذهنی- رفتاری، اجتماعی و فرهنگی به معنایی درخور تأمل و توجه در مسیر دستیابی به هویتی پویا دست یافته است. همچنین وجود ارزش‌هایی مانند تداوم تاریخی، سلسله‌مراتب، عدم تقلیدی بودن، تناسب فضا با ارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌های انسان، فراهم بودن زمینه مشارکت افراد جامعه در فضا، احساس این‌همانی فرد در فضاهای این شهرک از اصلی‌ترین عوامل ایجاد هویت فرهنگی و اجتماعی شهرک اکباتان است که در کنار دیگر عوامل هویتی من جمله سطح تحصیلات، اعتقادات و باورهای ساکنان و... می‌باشند. از این رو احترام به فرهنگ مردم و اشاره معنایی به غنای فرهنگی آن‌ها برای احراز هویت ضروری است. لازم به ذکر است که شهرک اکباتان در طول مراحل و زمان ساخت خود اجتناب از شبیه شدن به معماری دوره‌ای خاص اجتناب نموده و سعی در استفاده از اصول و ارزش‌های فرهنگی به‌جای تقلید ظاهری و شکلی داشته است، لیکن در چند سال اخیر شاهد عدم توجه به این امر هستیم، چراکه برپانمودن فضاهای تفریحی و مراکز خرید من جمله مگا مال در قلب مجموعه و برخورداری از فرمی مدرن

هویت فرهنگی این شهرک را دچار خدشه نموده است. چراکه ضروری است تا در تمام دوران به ویژگی‌های رایج فرهنگی این شهرک که از طریق عوامل معمارانه پدید آمده است، توجه گردد. ضمن آنکه در کنار آن احترام به آداب و عقاید مرسوم ساکنان این شهرک حفظ و از شبیه شدن ساختمان‌های این شهرک به ساختمان‌های غربی جلوگیری نمود. در جهت بهبود هویت اجتماعی - فرهنگی شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی می‌بایست معماران، شهرسازان و طراحان به عوامل کالبدی من جمله «فرم، مصالح، تناسبات، رنگ، فضای پر و خالی و...» بسیار توجه نمایند و هر مجتمع مسکونی یا شهرکی را متناسب با فرهنگ و هویت دوران خود بنا نمایند. از این رو در جهت بهبود و ارتقاء هویت اجتماعی - فرهنگی در شهرک اکباتان می‌بایست ضوابط و مقرراتی همسو با خود شهرک جهت بازنگری مکان یابی و کلیه عوامل کالبدی تنظیم گردند تا علاوه بر رفع مشکلات هویت اجتماعی - فرهنگی اکنون شهرک اکباتان بتوان از این بحران در پی توسعه شهرک، جلوگیری نمود در این راستا تمهیدات طراحانه در معماری ساختمان‌های عمومی برای حفظ پایداری و حیات در بستر هویت و فرهنگ منطقه و تداوم فعالیت‌های خود ملزم به رعایت معیارهایی می‌باشند. فضای باز و فضای مابین بلوک‌های مسکونی به عنوان اصلی مهم در تعریف نسبت‌های میان کالبد معماری و محیط اطراف آن دانسته می‌شود. فضاهای باز چه محصور و چه گسترده در پیوستگی با بلوک مسکونی بوده و حتی اگر دارای مرزهای کالبدی نیز نباشند، واجد حدود ذهنی هستند و به این سبب نوعی حس تعلق را به اهالی و ساکنان القاء می‌کنند با طراحی فضاهای مابین مجتمع‌های مسکونی به کمک سه معیار (فرهنگ و هویت، انعطاف پذیری، نفوذپذیری) جهت کاهش آسیب پذیری فرهنگی در برابر معماری غربی می‌توان با ایجاد فضاهایی زیبا و متباین به غنای معمارانه فضاها نیز افزود. به نحوی که این فضاها در مواقع عادی نیز به بهترین شکل ممکن از کارآیی برخوردار باشند و محل تجمع اهالی و ساکنین باشند و به همین سبب اجتماع پذیری فضا را افزایش دهند.



نمودار ۱. عوامل تأثیرگذار بر هویت شهرک اکباتان، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

جدول ۴. سیاستگذاری توسعه فضایی و ارائه راهکارهای کاهش آسیب پذیری هویت فرهنگی و اجتماع پذیری در شهرک اکباتان. (نگارندگان)

معیار	ارائه راهکار
فرهنگ و هویت	- ایجاد و تقویت پاتوق‌ها و محل‌های گردمایی و وجود پیوندهای اجتماعی قوی و تقویت نهادهای محلی درون محلات - تطبیق طراحی کاربری‌های جدید متناسب با الگوی معماری ایرانی با حفظ هویت اجتماعی قبل از اجرا.
انعطاف پذیری	- افزایش تعداد فضاهای باز در یک شهرک مسکونی مانند پارک‌ها و زمین‌های بازی متناسب با گروه‌های سنی مختلف. افزایش طول و عمق فضاهای مابین بلوک‌های مسکونی جهت تسریع در رفت و آمد در صورت بسته شدن راه‌های اصلی.
نفوذپذیری	- تقویت شبکه‌ی چیدمان مبتنی بر الگوهای ستاره‌ای و شعاعی به منظور تسریع در ورود و خروج جمعیت و کاهش ترافیک. - جانمایی فضاهای باز مابین بلوک‌ها با قابلیت دسترسی سریع برای ساکنین محله.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

منابع

- ازدري، محمود. ۱۳۹۶. هویت ایرانی در معماری؛ نگرین بی‌بدیل معماری ایرانی اسلامی، اولین کنگره بین‌المللی تحقیقات نوین و پیشرفته در علوم و فناوری، شیراز، ایران.
- بهزادفر، مصطفی، طهماسبی، ارسلان. ۱۳۹۲. شناسایی و ارزیابی مولفه های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی، باغ نظر، دوره ۱۰ شماره ۲۵، صفحه ۱۷-۲۸.
- بهشتی، سید محمد. . هویت ایرانی، مجله گلستان هنر، شماره ۱۱، ۲۱-۸.
- بهزاد فر، مصطفی ؛ و طهماسبی، ارسلان. ۱۳۹۲. شناسایی و ارزیابی مولفه های تاثیر گذار بر تعاملات اجتماعی، فصلنامه باغ نظر، شماره ۲۵، سال دهم، ۱۷-۲۸.
- پارسا، محمد. ۱۳۹۵. زمینه روانشناسی و هویت اجتماعی، چاپ اول، تهران: بعثت.
- پرویزی، الهام. ۱۳۸۸. معماری ملی از دیدگاه هویت فرهنگی، فصلنامه شهرنگار، شماره ۴۳، ۲۸.
- تاجیک، محمدرضا. ۱۳۸۴. روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، نشر فرهنگ گفتمان، تهران.
- توسلی، محمود. ۱۳۹۱. شهر: کانون فرهنگ، هنرهای زیبا شماره ۲۱، ۷-۲۹.
- جوادی، مهسا، ۱۳۹۴. درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان ساخت با تاکید بر مولفه های مکان، فضا و کالبد، مدیریت شهری، شماره ۲۳، ۴۴-۳۱.
- جینکز، ریچارد. ۱۳۸۱. هویت اجتماعی، ترجمه تورج یار احمدی، تهران، انتشارات شیرازه.
- چاوشیان، حمید. ۱۳۸۳. سبک زندگی و هویت اجتماعی، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- حیب، فرح. ۱۳۸۵. کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۳، ۱۳-۲۱.
- حیب، فرح، نادری، سید مجید، فروزان گهر، حمیده. ۱۳۹۰. پرسیمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت، فصلنامه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۱۳، ۳-۲۳.
- رفیعیان، مجتبی، امین صالحی، فرزین، تقوایی، علی اکبر. ۱۳۸۹. سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران، مدرس علوم انسانی، برنامه ریزی و آزمایش فضا، دوره چهار دهم، شماره ۴، ۶۳-۸۵.
- سلیمانی، محمدرضا، اعتصام، ایرج، حیب، فرح. ۱۳۹۲. بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری، فصلنامه هویت شهر، شماره بیست و پنج، سال دهم، ۱۵-۲۶.
- سیدیان، سیدعلی، بذرگری، شهرام، طالبی، حسنی جواد. ۱۳۹۵. احراز هویت در باهمستان های بافت کهن و تاریخی شهری، آینه خیال، شماره ۱۱، ۸۶-۸۸.
- شارع پور، محمد، خوش فر، غلام. ۱۳۹۵. رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی، ناحیه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ۱۳۳-۱۴۷.
- صفر نژاد، مهسا، کریمی آذری، امیر رضا، غلامعلی زاده، حمزه. ۱۳۹۵. شناسایی مؤلفه های مؤثر بر ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان در طراحی بناهای اداری فرهنگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره نهم، شماره ۴، ۱-۳۲.
- ضرغامی، اسماعیل، مهدوی نژاد، جمال الدین، فتوره چی، درسا، ۱۳۹۶، ایجاد چارچوب نظری طراحی مبتنی بر تئوری هویت اجتماعی مجتمع مسکونی برای ساکنان با طبقات مختلف اجتماعی-اقتصادی، نشریه معماری شهری، سال پنجم، شماره دوم، ۱-۱۳.
- عیسی زاده، کوثر. ۱۳۹۵. تحلیل شناخت تاثیر فرهنگ بر کالبد و طراحی شهرها با تاکید بر نظریه های فرهنگی طراحی مجتمع های زیستی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۷۱، ۶۶-۹۶.
- فیض آبادی، محمود، شیر رفیع اردکانی، مریم، ۱۳۹۴، بیان هویت در معماری معاصر ایران با تاکید بر سازه گرایی، نشریه هنر های زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۱، ۶۱-۶۹.
- کوهی فرد، الناز. ۱۳۹۵. هویت در معماری ایرانی، چاپ اول، نشر نگاه بوستان.

- گل محمدی، احمد. ۱۳۹۱. جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران، نشر نی.
- معظمی، منوچهر، حجت، عیسی. ۱۳۹۳. ریشه های گسست و گم گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۱، ۱۰۳-۱۱۲.
- مهدوی نژاد، محمد جواد، بمانیان، محمدرضا، خاکسار، ندا، ۱۳۹۴، هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن، هویت شهر، شماره ۷، ۱۱۳-۱۲۲.
- میرمقتدایی، مهتا. ۱۳۹۳. معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، هنرهای زیبا، شماره ۱۹.
- نقره کار، عبدالحمید، رئیس، محمدمنان. ۱۳۹۱. تحقق پذیری هویت اسلامی در آثار معماری، فصلنامه مطالعات شهری ایرانی اسلامی، شماره ۷، ۵-۱۲.
- نوذری، حسین علی. ۱۳۹۵. نگاهی تحلیلی به روند مفهوم هویت در قالب های سه گانه هویت سنتی، مدرن و پست مدرن، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۶، ۱۲۷-۱۴۸.
- نوفل؛ سید علی رضا. ۱۳۹۵. بررسی و ارزیابی شاخص های موثر در هویت شهری، (نمونه موردی محله جلفا اصفهان)، مجله آرمانشهر، شماره ۳، ۵۷-۶۹.
- ولیدی، شیما، معتکف ماسوله، صادق. ۱۳۹۳. هویت در معماری، مجله آینه خیال، شماره ۱۰، ۱-۱۳.
- هاشمی زاده موتاب، لیلا. ۱۳۹۱. مقایسه دلبستگی مکان، هویت اجتماعی، عزیت نفس اجتماعی در میان ساکنین خانه های با معماری مدرن و سنتی در شهر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، استاد راهنما: دکتر مجید صفارنیا، دانشگاه پیام نور.

Hague, C., & Jenkins, P, 2013, Place identity, participation and Planning. London: Routledge

Noghrekar, A., Hamze-Nejad, M., Foruzandeh, A., 1388. The Secret to the Immortality of Architecture. Journal of Sad Sad, 6 (12), 31-44

Relph Edward. ,1976, Place and Placelessness, Pion, London